



<http://www.kanoonm.com/2256>

بازخوانی

اعتصاب بزرگ کارگران شرکت نفت ۱۳۵۷

بخش دوم

هاله صفرزاده

اعتصاب و دست از کار کشیدن برای نفتگران بی هزینه نبود. ورود نیروهای نظامی به پالایشگاه ها و مراکز نفتی، تهدید، قطع حقوق، اخراج از منازل سازمانی، دستگیری، زندان به اتهام "اخلال در نظم عمومی" و "خیانت به کشور" بهایی بود که کارگران می پرداختند.

سولیوان از اطلاعیه ای صحبت می کند که قرار بوده در رادیو خوانده شود. اطلاعیه ای که از طرف شرکت ملی نفت ایران صادر شده و در آن کارگران اعتصابی تهدید شده بودند که اگر ظرف سه روز به سر کار خود باز نگردند اخراج خواهند شد. ولی ظاهرا این اطلاعیه خوانده نشده، اجرا می شد. شریف امامی در مجلس شورای ملی اعلام کرد آنهایی که اعتصاب را برانگیخته اند مقصر به خیانت به کشور شناخته می شوند.

اما به رغم همه ی اینها، اعتصاب ها و اعتراضات ادامه یافت و آزادی دستگیر شدگان و خروج نیروهای نظامی از محل کار نیز به خواسته های دیگر اضافه شد. محمد مزرعه کار (از اعضای کمیته اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان) می گوید:

"روز ۲۲ مهر تعداد ۸۰ نفر از کارمندان اداره کالا، پس از این که جواب خواستهای صنفی خود را از مقامات نفت دریافت نکردند در بیرون اداره کالا در محل پارکینگ دست به یک تجمع زدند تا توجه همه کارگران را به حرکت خود جلب کنند. با اطلاع گارد حفاظت پالایشگاه نفت از این حرکت، در عرض نیم ساعت به ناگهان قوای حکومت نظامی به فرماندهی تیمسار اسفندیاری همراه با نیروی دریایی، شهربانی و ساواک برای درهم شکستن و در نطفه خفه کردن اعتصابیون وارد پالایشگاه شدند و تعداد ۸ نفر از رهبران اعتصاب به نامهای رحمان گله زن، عباس سنگیان، محمد مزرعه کار و ... به عنوان محرکان و تهییج کنندگان آغاز اعتصاب در اداره کالا را دستگیر کرده و به زندان فرمانداری حکومت نظامی وقت بردند. ۷۲ نفر از بقیه اعتصابیون را هم با اتوبوسهای شرکت نفت و با اسکورت ساواکیها و نظامیان در حومه شهر آبادان پراکنده کردند. اما این تهاجم کارگران را مرعوب نکرد. برعکس خشم کارگران شعله ور شد. تیمسار اسفندیاری برای خاموش کردن اعتصاب ناچار شد نیمه شب تمامی رهبران اعتصاب را آزاد کند."

روز ۲۶ مهر چند هزار نفر از کارکنان پالایشگاه و کارگران غیر خطوط تولید در آبادان (۲۳۹۲ کارمند و کارگر) در اعتراض به ورود نیروهای حکومت نظامی به پالایشگاه دست به اعتصاب زدند و هم زمان در مقابل اداره مرکزی شرکت نفت اجتماع کردند و قطعنامه ای حاوی چهار خواست قرائت کردند:

" ۱- برکناری تیمسار بازنشسته سرتیپ کلیائی رئیس گارد صنعت نفت و تعقیب مسببین حادثه ورود ماموران انتظامی و امنیتی به پالایشگاه و اهانت به کارکنان ۲- تضمین و تاکید بر این نکته که دیگر ماموران امنیتی و انتظامی در محیط کار دخالت نخواهند کرد ۳- ادامه اعتراض تا تامین خواستهای اعلام شده در قطعنامه های گذشته ۴- چنانچه به درخواستهای مشروع و منطقی ما رسیدگی نشود و پاسخ مقتضی داده نشود اعتراض به صورت گسترده تر ادامه خواهد یافت."

خواسته ها برآورده نشد و اعتراضات شدت یافت. کارکنان بخش های مختلف صنایع نفت به اعتصاب می پیوستند. اخبار این اعتصابات در نشریات روز منتشر می شد.

در گزارشی که در شماره روز ۳۰ مهر ۱۳۵۷ روزنامه اطلاعات در مورد اعتصابات کارگری در نقاط مختلف کشور منتشر شد، چنین نوشته شد:

"اعتصاب کارکنان شرکت سهامی خاص خدمات صنعت نفت در اهواز که از چهار روز پیش به منظور پشتیبانی از خواست‌های فرهنگیان و دانشگاهیان کشور در اهواز شروع شد، ادامه یافت و چند صد نفر از کارکنان قسمت تعمیرات، تاسیسات بهره‌برداری نفت و کارکنان تعمیرات منطقه‌ای «مارون» نیز دست از کار کشیدند و به اجتماع کارکنان شرکت سهامی خاص خدمات که در محل این شرکت تشکیل شده بود پیوستند. هم زمان از آبادان خبر می‌رسد اعتصاب ۵ هزار کارمند صنعت نفت دیروز و امروز هم ادامه یافت و اعتصاب‌کنندگان ساعت ۷:۳۰ صبح دیروز همانند چهار روز گذشته جلوی اداره مرکزی شرکت ملی نفت اجتماع کردند. تعداد زنان کارمند، دیروز در میان اجتماع‌کنندگان بیشتر بود. روسای واحدها با مدیران صنعت نفت آبادان ملاقات داشتند. مدیران اطلاع دادند که اضافه حقوق کارکنان تصویب شده و در صورتی که از شنبه سر کار حاضر نشوند غایب محسوب می‌شوند، اما کارمندان اعتصابی اعلام کردند که به اعتصاب ادامه خواهند داد تا هنگامی که خواسته‌های چهارگانه آنان به انجام برسد. در مورد بازداشت و دستگیری عده‌ای از کارمندان صنعت نفت، بر اساس خواست‌های کارمندان، مقامات مسئول باید عذرخواهی کنند و پلیس حفاظت پالایشگاه برکنار شود. ... کارمندان اعلام کرده‌اند با وعده و وعید اعتصاب را نخواهند شکست. در همین حال خبرها حکایت از آن دارد که کارمندان اداره بهداشتی و بیمارستان شرکت نفت نیز به این اعتصاب پیوسته‌اند ولی بیمارستان شرکت نفت همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. کادر پزشکان و پرستاران بیمارستان همبستگی خود را با کارکنان اعتصابی شرکت نفت اعلام کرده‌اند. همچنین کارکنان قسمت آب و برق شرکت ملی نفت نیز به لحاظ اهمیت کار خود، سرگرم انجام وظیفه هستند ولی همبستگی خود را با اعتصابیون اعلام کرده‌اند. کارکنان دستگاه تصفیه و امور پالایش نیز همین شیوه را دنبال کرده‌اند.»

این اعتصابات توزیع نفت و بنزین را در کشور دچار اختلال کرد. مردم برای خرید بنزین به جایگاه‌ها هجوم آوردند. روزنامه اطلاعات در گزارشی نوشت:

«با آنکه رادیو ایران با قطع پخش اخبار در ساعت ۸ و ۴۲ دقیقه اطلاع داد که با توافقی که انجام گرفته، بنزین به همه جایگاه‌ها حمل می‌گردد، ولی هجوم اتومبیل‌دارها به جایگاه‌های فروش بنزین چنان آشفتگی و به هم‌ریختگی به وجود آورد که وضع ناهنجار تا ساعات آخر شب ادامه داشت... در آخرین ساعات شب گذشته با نشستی که نمایندگان کارگران با مسئولین داشتند به توافق نسبی رسیدند. نمایندگان کارگران ۳ روز به مسئولین مهلت دادند که به تمام خواست‌های آنان رسیدگی شود. به همین جهت کارگران کار خود را مجدداً از شب گذشته در انبار ری شروع کرده و تانکرهای بنزین و گازوییل پس از بارگیری به طرف جایگاه‌ها حرکت کردند ولی به علت ترافیک سنگین و راه‌بندانی که از اجتماع اتومبیل‌ها مقابل جایگاه‌ها به وجود آمده بود به موقع به مقصد نرسیدند.»

در آبان ماه اعتصاب در نقاط مختلف با خواسته هایی مشابه برپا می شد و پایان می گرفت و باز دوباره از نو آغاز می شد. کارکنان بخش های مختلف شرکت به اعتصاب می پیوستند اعتصاب این بخش ها مشکلات جدیدی برای تولید و صادرات نفت ایجاد می کرد.

سوم آبان ناخداهای نیروی دریایی نیز به همراه کارگران روزمزد و کارمندان تازه کار اسکو در جزیره خارک اعتصاب کردند. با اعتصاب ناخداها، حتا در صورت همکاری نیروی دریایی، پهلو گرفتن و بارگیری تانکرها به میزان زیادی کاهش می یافت. روسای شرکت نفت به طرق مختلف سعی می کردند راهی برای مقابله با اعتصاب پیدا کنند. انصاری مدیرعامل شرکت نفت سوم آبان به جزیره خارک رفت تا برای افراد کافی را متقاعد کند که بر سر کارهایشان باقی بمانند. ۸ آبان ماه اعتصاب ناخداهای نیروی دریایی در ترمینال صادراتی خارک خاتمه یافت. سوم آبان ماه سولیوان در نامه ای جدی بودن این اعتصابات را مطرح می کند.

"جان اورنج نماینده کنسرسیوم در محل صحت و واقعی بودن نظریه شاه در مورد جدی بودن اعتصاب در حوزه های نفتی را تایید نمود. اورنج گفت که در حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت در تولید روزانه کاهش پیدا شده است که عمدتا در گچساران بوده و صادرات نفت خام تولیدی اسکو در جزیره خارک که در حدود ۴ میلیون بشکه در روز بوده است در حالی که تقاضا ۴,۷ میلیون بشکه می باشد. در عین حالی که ممکن است اعتصاب عمدتا توسط کارکنان اداری بوجود آمده باشد، لیکن روشن است که تعداد زیادی از کارکنان فنی نیز در آن مشارکت دارند. یکی از تحولات مهم و ناراحت کننده این است که کارگران روزمزد گچساران و جزیره خارک به اعتصاب کارکنان شرکت ملی نفت و اسکو پیوسته اند."

۹ آبان کارگران ترمینال های جزیره خارک، بندر شاهپور و بندر ماهشهر دست از کار کشیدند و به این ترتیب تمام شیرهای جریان نفت از این مناطق به خارج بسته شد. شعار مردم در پالایشگاه آبادان این بود:

"از بهر ملک و ملت ما شیر نفتو بستیم تا مرگ شاه خائن در انقلاب هستیم."

صدور گاز به شوری قطع شد و تنها برای مصرف داخلی مقداری گاز تولید می شد. تمام مناطق تولید نفت خام تعطیل و پالایشگاه آبادان نیمه تعطیل شد. اعلام شد که به منظور جلوگیری از خرابکاری، ارتش تاسیسات نفتی را اشغال کرده است. قطع کامل نفت ۶۵ تا ۶۸ میلیون دلار در روز به دولت ایران زیان می رساند. در خارک نیز که عملیات بارگیری نفت خودکار بود و توسط اعضای نیروی دریایی امکان پذیر اما به دلیل توقف تولید، کلیه مخازن خارک نیز خالی شده بود.

برای مقابله با اعتصاب و ادامه صدور نفت دولت از شیوه های مختلف استفاده می کرد. انتقال مهندسان، محققان و تکنسین ها از لابراتوار تحقیقاتی تهران به پالایشگاه آبادان و به کارگیری نیروهای نظامی و سربازان

به جای کارگران از جمله ی این شیوه ها بود. اما نظامیان نمی توانستند کارِ کارگران ماهر را انجام دهند و از سوی دیگر نیروهای مازاد در سایر نقاط نیز به تعداد کافی وجود نداشت. اقدام دیگری که در دست اجرا بود استفاده از کارگران خارجی بود.

"اقدام دوم برای مقابله با این وضعیت استخدام کارگران خارجی از آن دسته تاسیسات اروپایی است که با ظرفیت کم مشغول به کارند تا بتوانند جایگزین اعتصابیون شده و تولید را به مرحله ای برسانند تا نیاز داخلی را تامین کنند. انصاری و رضا فلاح از شرکت ملی نفت ایران و جورج لینک از اسکو آماده پرواز به لندن هستند تا در مورد جزییات این طرح با کنسرسیوم وارد مذاکره شوند." (سند ۸ / ۸ / آبان / سولیوان

آسوشیتدپرس به نقل از رادیو ایران اعلام کرد که بیش از ۳۷ هزار کارگر پالایشگاه روز قبل با اقدام به اعتصاب صادرات بیش از ۵ میلیون بشکه نفت را کندتر کردند اما پس از آن کارگران دیگر در ترمینال های خارک، بندر شاهپور و ماهشهر هم دست از کار کشیدند. کارگران خواستار افزایش حقوق، برچیده شدن حکومت نظامی، محاکمه ارتشبد نصیری رییس ساواک شدند. هوشنگ انصاری با تقاضای افزایش حقوق آنان موافقت کرده اما با خواسته های سیاسی آنان هنوز موافقت نشده است.

سولیوان در نامه ای به تاریخ اول آبان ماه در مورد افزایش حقوق کارگران چنین می نویسد:

"انصاری مدیرعامل شرکت ملی نفت دیروز بعد از ظهر مذاکرات طولانی خود را با کارکنان اعتصابی پالایشگاه آبادان خاتمه داد و کلا با مبلغی افزایش موافقت نمود که نمایانگر ۲۰ تا ۵۲ درصد افزایش در حقوق ناخالص است. این افزایش مثل درصد افزایشی که قبلا در حقوق کارمندان روزمزد صنعت نفت به عمل آمد سخاوتمندانه نیست. شکایات و تقاضاهای کارمندان پالایشگاه در مورد اعمال مقامات حکومت نظامی موقتا مسکوت گذارده شد که به مدیریت شرکت نفت زمان کافی داده شود تا روشی را با همکاری مقامات حکومت نظامی طرح ریزی نماید که برای کارکنان پالایشگاه نیز قابل قبول باشد.

شرایطی که مورد قبول انصاری قرار گرفت شامل افزایشی به میزان ۱۲,۵ درصد در حقوق های پایه و پرداخت "مزایای مخصوص" جدید به مبلغ ۷۵۰۰ ریال به طور ماهانه بود. این پیشنهاد مورد قبول کارکنان پالایشگاه آبادان قرار گرفته لیکن تا کنون حداقل تعداد زیادی از کارمندان اسکو به سر کارهایشان بازنگشته اند. همان طور که ما انتظار داشتیم اعتصاب کارکنان اسکو از اهواز به حوزه ها کشانیده شد." (سند ۵ / سولیوان)

در آن تاریخ تقاضا برای نفت خام صادراتی ایران حدود ۵,۴ تا ۵,۵ میلیون بشکه در روز و به این معنا بود که این اعتصاب برای دولت ایران حدودا ۴ میلیون بشکه نفت خام در روز خرج برمی دارد که معادل روزانه ۵۰ میلیون

دلار بود و این میزان ضرر، لزوم شدت عمل دولت را علیه اعتصابیون به خوبی توجیه می کند. اما تنها یک بعد ترس رژیم شاه از ادامه این اعتصاب بود. در واقع این اعتصاب همراه با اعتصابات گسترده در سایر بخش ها، اقتدار رژیم سلطنت را به زیر سوال برده بود.

هر چه اعتصاب گسترش می یافت، شدت عمل نیروهای حکومت نظامی نیز شدیدتر می شد. اما سرکوب بیشتر، تنها خشم کارگران و گسترش بیشتر اعتصاب را به دنبال داشت.

۸ آبان ماه سولیوان ملاقاتی با هوشنگ انصاری رییس شرکت ملی نفت ایران داشت. وی صبح همان روز پس از چند روز مذاکره شدید با کارگران اعتصابی تاسیسات شرکت ملی نفت ایران در جنوب به تهران بازگشته بود.

"او گفت تولید روزانه طی سه روز گذشته به میزان یک میلیون بشکه کاهش یافته است. قبل از این ملاقات، وی با نخست وزیر و رییس حکومت نظامی یعنی اویسی ملاقات کرده بود. او به آنها گفته است که ۹۰ درصد کارگران اعتصابی حاضرند به خاطر منافع اقتصادی که در مذاکرات مطرح شده به محل کار خود بازگردند ولی کمتر از ده درصد از رادیکال های آموزش دیده " آنها را مرعوب کرده و اصرار دارند که تقاضاهای سیاسی آنها برآورده شود. نخست وزیر تصمیم گرفته بود که به مقامات حکومت نظامی دستور دهد که رادیکال ها را منزوی کرده و شرایط حکومت نظامی را در زمینه متوقف کردن صنایع حیاتی به آنها بفهماند و به آنها پیشنهاد دهد که یا باید به محل کار خود بازگردند و یا دستگیر و زندانی شوند. قرار بر این بود که این اقدام عصر روز ۸ آبان عملی شود. در صورت عملی شدن و بازگشت به کار کارگران، انصاری معتقد بود که در مدت دو روز تولید به وضع عادی باز خواهد گشت و گرنه باید طرح های اضطراری را به مرحله اجرا گذاشته می شد که شامل کاهش صادرات و نفت و صادرات گاز مربوط به شوری و محدود ساختن تولید به رفع نیازهای داخل خواهد بود. در نتیجه این اقدام نفت جیره بندی می شد. در این زمان پالایشگاه ها هنوز در مرحله تولید بودند. اما تولید پالایشگاه آبادان به ۳۵۰ هزار بشکه در روز رسیده است."

در روز ۹ آبان سولیوان با انصاری رییس شرکت ملی نفت ایران تمام گرفت تا از نتایج تصمیمات دولت مبنی بر اعزام نیروهای حکومت نظامی مطلع شود. انصاری به سولیوان گفته بود که

"استراتژی تغییر کرده است به جای دستگیری آن دسته کارمندانی که از ادامه کار امتناع می کنند دولت تصمیم به اخراج آنها گرفته است ... او گمان می کند که تعداد کارگران اخراجی زیاد نباشد. با جورج لینک رییس اسکو طرحی ریخته اند تا به جای کارگران اخراجی پرسنل دیگری از ارتش، افراد درحال آموزش و قرارگاه های تهران جایگزین شود. بنابر این طرح اضطراری مخصوص استخدام کارگران خارجی فعلا کنار گذاشته شده است." (سند ۹ / ۱۰ / آبان / سولیوان)

در این زمان حدود ۷۵ درصد واحدهای پالایشگاه در اعتصاب بود و تنها کاری که از فرمانداری نظامی آبادان برمی آمد باز هم تهدید بود. به اعتصابیون اخطار شد که چنانچه در مهلت تعیین شده به سر کار بازنگردند بر اساس قوانین جاری در مورد آنها تصمیم گرفته خواهد شد.

سخنگوی کنسرسیون نفت ایران اعلام کرد که تولید نفت به کندی ادامه دارد. این کنسرسیون شامل شرکت های نفت انگلیس (۴۰ درصد) شل (۱۴ درصد) شرکت های امریکایی اکسون، گلف، موبیل، استاندارد اویل کالیفرنیا (هر کدام ۷ درصد) شرکت نفت فرانسه (۶ درصد) و چند شرکت کوچک نفتی امریکایی بود. وی اعلام کرد که به دنبال فلج شدن بارگیری در خارک ۲۶ تا ۳۰ فروند از کشتی های نفتکش که هر یک ۲۰۰ هزار تن ظرفیت دارند در انتظار پرکردن مخازن خود هستند.

برای روسای شرکت نفت مهم بود که این اعتصاب گسترده را کوچک جلوه دهند و نشان دهند که بر اوضاع مسلط هستند. صبح این روز هوشنگ انصاری رییس هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران در تلفنی به سولیوان تولید روز نفت را ۲،۳ میلیون بشکه برآورد کرده بود. برنامه او این بود که با استفاده از همان پرسنل نظامی تولید را به ۴ میلیون بشکه افزایش دهد. اما طبق گزارشات روزنامه های صبح تولید به صفر رسیده بود. انصاری به سولیوان گفت که روزنامه ها با اطلاعات دروغ اعتصابیون تندر و تغذیه شده اند. وی قرار بود در سوم نوامبر با هنری کیسنجر و چند نفر دیگر به طور ناشناس ملاقات کند. (سند ۱۱/۱۰ /آبان /سولیوان)

۱۱ آبان در آبادان، مقابل اداره مرکزی ، ماموران به طرف اعتصابیون شلیک کردند چون حاضر به ترک محل نشده بودند. تعدادی از کارگران مجروح شدند. روز بعد تعداد دیگری از کارکنان پتروشیمی شاهپور و کارخانه گاز مایع و پتروشیمی آبادان نیز به اعتصاب پیوستند.

"اعتصاب لاپکو(۱) از شب قبل شروع شده است و صبح امروز تولید در این قسمت به طور کامل متوقف شد. تقاضاهای کارکنان اعتصابی حداقل به صورت آشکار ماهیت سیاسی ندارد. به هر حال برخی از تقاضاهای اقتصادی آن به صورتی است که شرکت نفت و مدیریت لاپکو حتا در صورت تمایل هم نمی توانند با آن موافق باشند. برای مثال یکی از تقاضاها تغییر فوری برنامه کار است به این ترتیب که کارکنان که هم اکنون در مقابل دو هفته کار یک هفته تعطیل دارند و در جزیره لاوان یا سکوهای دریایی کار می کنند در مقابل یک هفته کار یک هفته تعطیلی داشته باشند. زیرا مستلزم گسترش نیروی کار در هنگامه ای است که بازار کار از وجود متخصصین نفتی خالی می باشد. چنین تقاضاهایی به سادگی می تواند یک تاکتیک مذاکراتی باشد که برای حصول بهترین نتایج ممکنه طرح ریزی شده لیکن تا کنون تقاضاهای اعتصابیون غیر قابل بحث بوده اند و ممکن است برای ایجاد بحران طرح ریزی

شده باشد. اعتصاب در ایپاک همچنان ادامه دارد و ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه آن کاملاً راکد است." (سند ۱۳ / ۱۱ آبان / اسولیان)

۱۲ آبان ماموران فرمانداری نظامی، کارکنان اعتصابی را به اداره مرکزی شرکت نفت راه ندادند و اعتصابیون به ناچار در بیمارستان شرکت نفت اجتماع کردند. اعتصاب کارگران صنایع نفت در اهواز، گچساران، مسجد سلیمان، آغاچاری، پالایشگاه تبریز، شیراز، تهران و ... نیز ادامه داشت. هر روز کارگران و کارکنان در مراکز نفتی تحصن و تجمع می‌کردند و به جای کار، خبرهای اعتصابات در مراکز دیگر را دنبال می‌کردند. در این تجمعات پیام‌های همبستگی سایر گروه‌های مردم، معلمان، دانشجویان، کارگران سایر کارخانه‌ها با کارگران شرکت نفت خوانده می‌شد.

روز بعد تجمع کارگران اعتصابی در بیمارستان شرکت نفت ادامه یافت. ۱۱ نفر از اعتصابیون به اسامی موسوی، علوی، اقتدار، کامیاب، مزارعی، صادقیان، شبانکاره، شکراله جور، دیانی و عبدالحمید ظهیری نژاد در حمله نیروهای حکومت نظامی مجروح شدند. بنا به گزارشاتی فردای آن روز مختار معاصر، یکی از کارگران اعتصابی، پیراهن خونین یکی از کارکنان زخمی شده را در اجتماع کارکنان اعتصابی بالا برد و ضمن حمایت از پلاتفرم معلمان اعلام کرد حکومت نظامی در سراسر ایران باید لغو شود و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

صبح ۱۳ آبان سه دستگاه جیپ ارتشی مجهز به مسلسل مقابل در ورودی اداره مرکزی شرکت ملی نفت آبادان که محل تجمع کارمندان اعتصاب بود مستقر شد. بلافاصله یک مامور با درجه سرگردی به میان کارمندان رفت و از آنها خواست نظم را حفظ کنند. در پی استقرار جیپ‌های ارتشی سایر کارمندان اعتصابی که متوجه موضوع شده بودند خود را به آنجا رساندند و در فاصله کوتاهی اجتماع ۳۰۰ نفری به ۲ هزار نفر رسید. اعتصابیون ضمن تکذیب خبر خاتمه اعتصاب اعلام کردند که همچنان دراعتصاب هستند و تولید پالایشگاه آبادان که قبلاً ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود به ۲۴۰ هزار بشکه کاهش یافته است. کارگران پالایشگاه شهر ری هم که ۱۵ روز مهلت برای رسیدن به خواسته‌هایشان داده بودند در پی برآورده نشدن خواسته‌ها مجدداً دست به اعتصاب زدند. اعتصابی نیز توسط کارمندان سیستم توزیع تهران شروع شد. صفوفی طولانی در پمپ بنزین‌ها تشکیل شد و به دنبال آن از روز ۱۴ آبان ارتش بارگیری نفت و بنزین را به عهده گرفت. بنابه گزارش پالایشگاه‌های شیراز و تبریز تعطیل هستند.

در این روز کارمندان دفتر مرکزی شرکت ملی نفت نیز به اعتصابیون پیوستند. به رغم این که اعتصاب این کارمندان هیچ‌گونه تاثیری بر تولید و صادرات و یا پالایش نفت نداشت اما از جهت سمبولیک اهمیت بسیار داشت. چرا که کارمندان دفتر مرکزی از همکاران شان در جنوب بسیار سیاسی‌تر بودند. خواست اصلی

کارمندان اعتصابی برکناری انصاری مدیرعامل شرکت نفت به خاطر مساله فساد است. انصاری هفته قبل ایران را همراه با خانواده اش ترک کرده است. (سند ۱۴/۱۴ آبان/سولیوان)

شرکت ملی نفت ایران مجددا مبادرت به مذاکره با کارمندان اعتصابی اسکو نمود. اما به دلیل این که اعتصابیون تمایل داشتند فقط در مورد مسایل سیاسی گفت و گو کنند و نمایندگان شرکت ملی نفت نیز از مذاکره در باب چیزی به جز مسایل اقتصادی امتناع می کردند، مذاکره ای صورت نپذیرفت. (سند شماره ۱۵)

۱۷ آبان ماه تمام ۴ مجتمع سرمایه گذاری مشترک به ظرفیت مجموع ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاملا تعطیل است. سیرپ و ایمینوکو(۱) آخرین شرکت هایی بودند که تحت تاثیر قرار گرفتند و ۶ نوامبر تولید را متوقف کردند. در نتیجه تولید ایران در مناطق نفتی خوزستان تنها به وسیله ی سیرپ صورت می گیرد.

در جلسه ای که ۱۸ آبان برگزار شد و ریاست آن را نخست وزیر جدید به عهده داشت، به کارکنان گفته شد چنانچه به سرکارهایشان بازنگردند، اخراج خواهند شد و از خانه های شرکتی بیرون رانده می شوند. آخرین مهلت هم همان روز بعد از ظهر تعیین شد. سولیوان گمان می کند که چنانکه کارکنان متقاعد شوند که دولت تهدید خود را به مورد اجرا خواهد گذارد اکثریت آنان به اعتصاب خود پایان خواهند یافت ولی معتقد است حتی اگر تعداد نسبتا کمی از کارکنان خیلی تند رو در صورت عدم انزوا از دیگر کارکنان و نیز دست یابی به تاسیسات مناطق نفتی می توانند مشکلات جدی به بار آورند.

اما به رغم آنکه ۱۷۰ نفر از کارگران در مناطق نفتی و ۱۲ نفر در جزیره خارک دستگیر شدند، هیچ بازگشت وسیعی به سرکارها صورت نگرفت و از آنجا که ماه ها وقت لازم بود تا حداقل تعداد کافی پرسنل نظامی تربیت شوند و جایگزین اعتصابیون شوند، وضع اهواز و مناطق نفتی از نظر ماموران حکومت نظامی و امریکایی ها وخیم برآورد می شد. در این روزها تظاهرات در سراسر ایران در حال گسترش است و مرتب در شهرهای مختلف تعدادی از تظاهرکنندگان توسط نیروهای حکومت نظامی کشته می شدند. اقدامات خشونت آمیز علیه مستشاران خارجی نیز در حال افزایش است. خانه یکی از کارمندان مقیم ایران (ملیت او مشخص نیست) اسکو در اهواز توسط گروهی چپاول شد. روحیه کارمندان خارجی اسکو رو به بدتر شدن است و تخلیه خانواده کارمندان خارجی اسکو به طور جدی مورد بررسی قرار گرفته است.

دولت مرتب خبر درهم شکستن اعتصاب را به سفارت امریکا گزارش می کرد:

" اعتصابیون بیشتری شروع به کار نموده اند در حال حاضر ۵۰درصد کارکنان (کارگران و تکنسین ها) و حدود ۴۰درصد کارمندان اداری مشغول به کارند و ۱۰۰درصد کارمندان و سرپرستان. نزدیک به تمام کارمندانی که سابقه کار آنها کمتر از ۵ سال است که حدود ۶۰درصد نیروی کار را تشکیل می دهند همچنان در حال اعتصاب هستند. نماینده کنسرسیوم به ما گفته است که به خدمت اعتصابیون خاتمه

داده می شود پیش بینی می شود که اگر ۹۰ درصد اعتصابیون به کار بازگردند و با کمک نیروی دریایی و خارجیان تولید به سرعت به سطوح بالا آن اعاده می شود." ۲۳ آبان سولیوان طبق گزارشاتمی که به وی داده شده، باز هم خبر از شروع به کار تعداد بیشتری از کارکنان و کارگران را می دهد.

"به طور تخمینی ۷۰ درصد یا بیشتر کارکنان اسکو و کارگران روزمزد کارشان را شروع کرده اند. مشکلات عمده و بزرگ صرفاً در حوزه های مارون و آغاچاری است. اواخر روز گذشت لاپکو شروع به درجریان انداختن تولید حوزه ساسان نمود و تا نیمه شب تولید به سطحی معادل ۲۰۵ هزار بشکه رسید. تمامی اعتصابیون لاپکو کارشان را از سر گرفته اند. ایمینوکو عصر دیروز تولید را شروع کرده است. سیروپ قرار بود که امروز تولیدش را در ساعت ۷ صبح از سرگیرد. ایپاک (۱) تولید حوزه داریوش را آغاز نموده ولی پیشرفت کار کند است. ولی اکثر پرسنل ایپاک در تاسیسات و سکوهای دریایی هنوز از پایان دادن به اعتصاب خود امتناع می ورزند. ظاهراً پرسنل تاسیسات دریایی یا هنوز خبر پیدا نکرده اند که اکثر همکارانشان کار را شروع کرده اند و یا آن را باور ندارند.

مدیر روابط عمومی شرکت نفت به ما اطلاع داد که کمیته اعتصابیون در پالایشگاه آبادان اعلامیه ای صادر نموده است مبنی بر اینکه چون شاه قول داده تا تقاضاهای سیاسی آنها را برآورده سازد، آنان به اعتصاب خود خاتمه خواهند داد. ظاهراً کارکنان پالایشگاه آبادان تقاضاهایشان برای الغا کلیه قراردادهای نفتی و برکناری تمامی خارجیان از صنعت نفت را فراموش نموده و روی آزادی کلیه زندانیان سیاسی در آینده و استقرار یک دولت مستقل از شاه فعالیت می نمایند."

اما در سند بعدی سولیوان باز هم از کاهش تولید نفت صحبت می کند و این که ممکن است شرکت نفت سیاست فریب خبری را پیشه کرده باشد. در این نامه وی به برکناری از کار و اخراج از خانه های سازمانی و دستگیری های پراکنده اعتصابیون و تشدید سرکوب ها و حمله به کارکنان خارجی شرکت نفت اشاره می کند:

" آن دسته از کارکنان اسکو چه خارجی و چه ایرانی که هنوز به کار مشغولند همچنان تهدیداتی دریافت می کنند. از دو روز پیش یعنی زمان وقوع حادثه پرتاب بمب آتش زا به اتومبیلی که رانندگی آن با مدیرعامل اسکو بوده ما هنوز چیزی از حادثه جدی دیگری نشنیده ایم. مقامات حکومت نظامی در تلاش به منظور جلوگیری از حملات بیشتر به کارکنان اسکو و خانه های آنها نیروهایی را به مناطق مسکونی اسکو اعزام نموده و پست های فرماندهی در آن مناطق برقرار نموده اند. " سند ۲۲ / ۲۴ آبان سولیوان

۲۷ آبان ماه یک کوکتل مولوتف به طرف خانه مدیر اجرایی اسکو پرتاب شد. تعداد زیادی از پرسنل اسکو به خاطر اینکه حضور پلیس در مناطق مسکونی اسکو برای برقرار حفاظت مفید کافی نیست عصبانی بودند.

۲۹ آبان مقامات حکومت نظامی همچنان به دستگیری اعتصابیون اسکو ادامه می دهند. برخی از اعتصابیون که بر سرکارهایشان حاضر نشده اند در خلال شب در خانه هایشان دستگیر شده اند. نیروی دریایی ایران آن طور که انتظار می رفت درمقابل کارگران اعتصابی ایپاک که در دریا کار می کردند نقش فعالی برعهده نگرفت و خدمه جدید که به تاسیسات دریایی عزیمت کردند کاری انجام ندادند.

در روزهای اول آذر ، سولیوان بهبود تولید نفت در ایران. یک میلیون بشکه افزایش را گزارش می کند هم چنین اشاره ای به برخوردهای خشونت بار در دفتر مرکزی شرکت نفت در تهران دارد.

۲۰۰ نفر از کارگران خط لوله تهران آبادان اعتصاب کردند. مدیران شرکت نفت مدام در حال جابه جایی کارگران از تهران به آبادان و از آبادان به تهران هستند.

گسترش اعتصابات در بخش نفت در آذر ماه دیگر جنبه اقتصادی ندارد. مقامات حکومت نظامی اهواز مجددا برخی از اعتصابیون را دستگیر کرده اند. تعدادی از کارگران برای تامین سوخت داخلی مشغول به کار شده اند. اما تهدید کرده اند که اگر شرکت های نفتی بخواهند تولید را بیشتر کنند و یا پرسنل نظامی را درکنار آنان وارد کار نماید دوباره اعتصاب خواهند کرد. (سند ۲۷ و ۲۸ / آذر / سولیوان)

"برخی از اعتصابیون نیز تهدید نموده اند چنانچه تولید افزایش یابد به تاکتیک های خشنی دست خواهند زد و مقامات باتجربه و سطح بالای امریکایی اسکو متقاعد شده اند که تهدیدات جدی هستند. امروز یکی از مقامات ارشد اسکو به ما گفت که تولید می تواند با پرسنل موجود کمی افزایش یابد لیکن ترس از تلافی تا کنون از ان جلوگیری نموده است. اعتصابیون اظهار داشته اند که هیچ گونه شکایتی از شرکت ندارند بلکه اعتصاب یک مساله ایدئولوژیک است و بنابراین مدیریت اسکو در گفت و گو برای بازگشت به کار صرفا وقت خود را تلف می کند. اسکو و شرکت ملی نفت و نیروی دریایی خودشان را برای مسایل بدتر از این هم آماده می کنند. در دیروز در اهواز جلسه ای برای بحث در مورد اینکه ارتش به منظور کمک چه کارهای بیشتری می تواند انجام دهد برگزار گردید. اسکو پیشنهاد کرد که ۵۰۰ ملوان دیگر از نیروی دریایی را آموزش دهد. یک مقام عالیرتبه نیروی دریایی که در جلسه حضور داشت گفت که انتقال ۵۰۰ ملوان نیاز به کنار گذاشتن دو ناوشکن دارد و تایید آن باید از تهران بیاید.

واردات تولیدات پالایش شده در بندر ماهشهر شروع شد. از حدود دو هفته قبل صادرات و مصارف تجاری صنعتی گاز قطع شده است و حدود ۱۲۵ میلیون فوت مکعب استاندارد گاز به طور روزانه در واحدهای تولید اهواز سوزانیده می شود. پرسنل صنایع گاز در حال اعتصاب هستند و به رغم اینکه مقامات حکومت نظامی اهواز مبادرت به شناسایی این اعتصابیون نموده اند و سایر اعتصابیون را به صورت موقت مجبور به بازگشت به سرکارهایشان کرده اند. اما روز بعد یعنی ۱۴ دسامبر مقامات حکومت نظامی قادر

نبوده اند که حتا سرپرست ارشد کارخانه مایع سازی گاز طبیعی را پیدا نمایند. (سند ۳۴ / ۲۱ آذر / سولویان ۱۴ دسامبر)

سولویان از انتظار شان برای شروع اعمال فشارهای ارتش صحبت می کند.

" ارتش آماده دخالت مستقیم و فوری است. یکی از ژنرال های ارتش به آجاری، دیگری به گچساران و دو سرهنگ به اهواز فرستاده شده اند تا عملیات ارتش را در بازگرداندن تولید به وضع عادی رهبری کند. علاوه بر آن به اسکو گفته شده که این گونه افراد در دادگاه های نظامی گچساران، آجاری و اهواز تحت شرایط لایحه خرابکاری در صنعت نفت مربوط به سالهای ۱۹۵۱ و ۵۳ یعنی دوره ی ملی شدن نفت محاکمه خواهند شد. (سند ۳۶ / ۲۶ آذر / سولویان)

۲۱ آذر ، در دو واقعه جداگانه در شهر اهواز، دو ترور رخ می دهد. پل گریم مدیر عملیات اسکو و یک سرپرست ایرانی منطقه حفاری که در استخدام اسکو بود، حدود ساعت ۷ صبح به وسیله یک اسلحه اتوماتیک کشته شدند. ترور پل گریم توسط گروه موحدین انجام شد.

گزارشاتی مبنی بر اینکه یک کامیون سبک و یک کامیون سنگین متعلق به شرکت های خدماتی مناطق نفتی امریکایی و فرانسوی در اهواز به وسیله بمب آتش زا نابود شدند. خرابکاری ای نیز در خط لوله نفت خام انجام شد. اینها نگرانی خارجی ها را به شدت افزایش می دهد و ترتیب خروج سریع آنها از مناطق نفتی داده شد. سند ۲۸ / ۲۷ آذر / سولویان

۲۲ آذر ماه اخراج کارکنان اعتصابی شرکت نفت از خانه های سازمانی شدت گرفت.

سی ام آذر ماه اعتصاب شرکت سهامی خاص خدمات صنعت نفت به پشتیبانی از خواست های فرهنگیان و دانشجویان شروع و ادامه یافت. تعداد زنان کارمند در اعتصاب کارکنان صنعت نفت در آبادان افزایش چشمگیری داشت و در پنجم دی ماه صدور نفت به خارج از ایران به طور کلی قطع شد.

روشن است اعتصابی به این گستردگی، بدون سازماندهی امکان پذیر نبوده است. کمیته های اعتصاب در مراکز مختلف تشکیل شده بود. در اهواز نیز با شروع اعتصاب کمیته اعتصاب تشکیل شده بود. طبق گزارشی ۶۰ نماینده از قسمت های مختلف شبکه تولید انتخاب شده بودند تا هم خواست های قسمت خود را مطرح کنند و هم تصمیمات گرفته شده برای ادامه اعتصاب را به قسمت های خود منتقل کنند. همین کمیته اعتصاب بود که قطع صدور نفت را طرح ریخت و اجرای آن را رهبری کرد. اعضای این کمیته مخفی و تحت تعقیب بودند. نیروهای حکومت نظامی برای این افراد حکم تیر داشتند.

خسروشاهی: در مورد نحوه کار این کمیته ها و ارتباط آنها با هم این گونه می نویسد:

" وقتی که فضا کمی باز شد و مخصوصا آبادان به اعتصاب پیوست کمیته اعتصاب علنی شد. یکی دو ماه قبل از انقلاب حدود دی ماه ، سندیکای کارگران نفت تاسیس شد که بخش های پتروشیمی و گاز هم شاملش می شد و همه با هم بودند. اسمش سندیکا بود اما به طور واقعی مجموعه ای از کمیته های کارخانه بود. پالایشگاه ، گاز، پخش ، آبادان ، شیراز اصفهان و تبریز هر یک کمیته خود را داشتند. این کمیته ها پس از حذف حکومت نظامی، علنی و انتخابی کارگران بودند. جلسه برگزار می کردند و اطلاعاتی و نشریه منتشر می کردند.

...انتخاب به معنی برگزاری مجمع عمومی و انتخابات به معنی رسمی آن نبود. در هر کارخانه ای عده ای از کارگران جلو دار بودند و مورد تایید کارگران بودند. مثلا در پالایشگاه تهران ده نفر از کارگران بودند که از ابتدا جلو دار بودند، فعالیت کرده بودند و مورد تایید کارگران بودند. در خوزستان همین طور در بقیه جاها هم به همین نحو. در آبادان قضیه یک مقدار فرق می کرد. چون یک عده می رفتند و مامشات می کردند کار به انتخابات کشیده شد و عوض شدند. در مجموع این کمیته های کارخانه بود که به اسم سندیکا در سطح سراسری کارگران را رهبری می کرد.

در این دوره اخبار مربوط به اعتصاب بسیار پراکنده و ضدونقیض بود. به همین جهت کمیته های اعتصاب نشریه ای هم به نام "نشریه کارکنان صنایع نفت" را منتشر کردند. این نشریه کمک کرد اعتصاب سازماندهی شود و کارگران اخبار واقعی را بخوانند تا شایعات بی مورد در بین کارگران تفرقه ایجاد نکند. انتشار این نشریه تا سال شصت که توقیف شد، ادامه پیدا کرد.

با شدت گرفتن و تدام اعتصابات کارگران و کمیته های اعتصاب با مشکل مالی روبرو شدند. حقوق ها قطع شده بود. حساب سندیکا نیز بسته بود. در خبرها آمده که اوایل دی ماه صندوق های کمک های مردمی برای کارگران نفت و روزنامه نگاران اعتصابی تشکیل شد. در مورد تامین هزینه های اعتصاب خسروشاهی چنین می گوید:

"... واقعیت این بود که ما در تهران از نظر مالی در مضیقه قرار گرفته بودیم چون حساب مالی سندیکا بسته بود. پیش دانشجویان رفتیم و آن ها حدود دو و نیم میلیون جمع آوری کردند. دو و نیم میلیون پول یک روز کارگران هم نمی شد. با تعدادی نزد طالقانی که او را از زندان می شناختیم رفتیم و قضایا را شرح دادیم که حساب را بسته اند. یک آقای را معرفی کرد که مسئول کمیته بازار بود. از آن موقع پول خیلی زیادی از بازار به کارگران کمک شد و از همان موقع یک نفر به نام آقای عراقی که بعدها مسئول روزنامه کیهان و ترور شد ، وارد کمیته مخفی اعتصاب شد...

خسرو شاهی این کمک پیوسته و زیاد بازار را عاملی می داند که کمیته های اعتصاب توجه کافی به جمع آوری پول و کمک مالی از بخش های دیگر جامعه و خود کارگران نداشته باشند.

منابع و زیرنویس ها:

۱- سیریپ، ایمینوکو، لاپکو و ایپاک مجتمع های مشترک سرمایه گذاری نفت بودند.

منابع این بخش روزنامه های اطلاعات، کیهان، و همچنین شماره ۶۶ از مجموعه اسناد لانه جاسوسی و مصاحبه های کارگران عضو کمیته های اعتصاب، یداله خسروشاهی و محمد مزرعه کار است.

پایان قسمت دوم